

## امنیت انرژی و دیپلماسی ایران در ژئوپلیتیک انرژی منطقه بین سال‌های (۲۰۱۷-۲۰۲۰)

جواد گنج خانلو<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۹/۲۷

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۰۴

کد مقاله: ۵۴۰۷۹

### چکیده

امروزه انرژی با توجه به نقش حیاتی آن در استمرار توسعه سیاسی و اقتصادی جزء اهداف و برنامه‌های اصلی کشورهای جهان است. با توجه به اینکه ذخایر انرژی در مناطق خاصی از جهان متمرکز است؛ ضرورت تأمین امنیت تولید و انتقال این منابع به بازارهای مصرف از استراتژیک‌ترین مباحث موجود در سیاست خارجی عرضه‌کنندگان و مصرف‌کنندگان انرژی است. در همین راستا دیپلماسی و در رأس آن دیپلماسی انرژی اهمیت بسزایی در مدیریت انتقال این منابع دارد و بدون تردید یکی از متغیرهای مؤثر در شکل‌گیری سیاست خارجی کشورها، موقعیت جغرافیایی و به تبع آن ژئوپلیتیک انرژی آن کشور و نحوه ارتباط آن با جهان خارج و همسایگان است. کشور ایران علی‌رغم قرار گرفتن در مرکز منطقه‌ای معروف به بیضی انرژی و دارا بودن سهم عمده‌ای از تولید انرژی جهان، همچنین دارا بودن موقعیت بسیار مهم گذرگاهی و ضریب بالا در تأمین امنیت انرژی، از نفوذ و تسلط به بازار انرژی متناسب با موقعیت ژئوپلیتیک خود برخوردار نبوده و در حال حاضر تحت تأثیر برنامه‌ها و سیاست‌های تحمیل‌شده‌ای قرار دارد که از سوی بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مثل؛ عربستان سعودی و آمریکا در منطقه و بازار انرژی تبیین و اعمال می‌گردد. در مقاله پیش رو، ضمن برشمردن بنیان‌ها و مولفه‌های ژئوپلیتیک انرژی و ابزار موردنیاز در این حوزه به بررسی نقش و جایگاه ایران در منطقه و تبیین دیپلماسی انرژی و سرفصل‌های آن پرداخته شده و پس‌از آن، وضعیت ژئوپلیتیک انرژی و دیپلماسی انرژی ایران موردبررسی و درنهایت به ارائه برخی راهکارها برای دستیابی به یک حضور مؤثر در بازارهای جهانی انرژی کشور منتج خواهد شد.

واژگان کلیدی: ژئوپلیتیک انرژی، امنیت ملی، دیپلماسی انرژی، امنیت انرژی، ژئواکونومی

۱- دانشجوی دکترا جغرافیای سیاسی، دبیر نظام پیشنهادات شهرداری منطقه ۶

## ۱- مقدمه

انرژی یکی از اصلی ترین نیازهای جوامع انسانی امروز است که نه تنها بر بسیاری از منازعات و روابط میان دول مختلف تاثیرگذار است، بلکه می توان گفت بسیاری از این مناقشات و تعامل ها اساسا به علت دست یابی به آن بوقوع می پیوندد. اهمیت انرژی که با وقوع انقلاب صنعتی بیش از گذشته مشهود شد، با تغییر گرایش جهان از مصرف زغال سنگ به نفت در ابتدای قرن اخیر رویکردی تازه یافت، چرا که بر خلاف زغال سنگ که معادن آن در اختیار کشورهای جهان صنعتی بود، منابع نفتی پراکندگی یکسانی در سطح جهان نداشته و عمدتا در منطقه خلیج فارس و نیز امریکای شمالی قرار داشتند که رفته رفته نقش کشورهای حاشیه خلیج فارس در این میان پررنگ تر شد. به عنوان مثال در سال ۱۹۴۰، امریکای شمالی ۷۳٪ تولید جهانی نفت را عهده دار بود اما با گذشت زمان نقش کشورهای خاورمیانه (البته بیش تر کشورهای ایران، عراق، عربستان سعودی، کویت و امارات که نام دارند) در تامین انرژی جهان پررنگ تر شد و با گذشت حدود سه دهه، در سال ۱۹۷۵، کشورهای pg5 نزدیک به نیمی از تولید نفت خام جهانی را به خود اختصاص دادند و سهم امریکای شمالی تا حدود یک سوم کاهش یافت. در این میان نقش دیپلماسی و به طور خاص آن دیپلماسی انرژی در شکل دادن به نحوه تولید و توزیع و انتقال آن در بازارهای انرژی جهان بسیار مهم و متمایز می باشد.

با توجه به اینکه پایه و اساس اقتصاد اغلب کشورهای تولید کننده انرژی برپایه درآمدهای حاصل از اقتصاد انرژی می باشد. ازطرفی؛ سهم عمده ای از اقتصاد کشورهای مقصد یا خریدار انرژی نیز تابع این محصول می باشد. به همین دلیل هر دو گروه تولید کنندگان و مصرف کنندگان انرژی به دنبال تغییر، تعدیل و تنظیم بازارهای جهانی انرژی در جهت منافع اقتصادی خود می باشند.

به همین لحاظ منطقه خاور میانه و خلیج فارس و دریای عمان و سرزمین های حوزه دریای خزر یا همان بیضی انرژی که این منطقه، حدود ۷۰ درصد ذخایر نفتی و ۴۰ درصد ذخایر تثبیت شده گاز طبیعی جهان را شامل می شود. به جهت تاثیرگذاری مستقیم بر اقتصاد جهانی به واسطه دارا بودن سهم عمده ای از انرژی جهانی، علاوه بر دارا بودن موقعیت ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک در حوزه انرژی از موقعیت ویژه اکونومیک هم برخوردار می باشد. قرارگرفتن ایران بین دوحوزه بسیارمهم دریای خزر و خلیج فارس، اهمیت ژئوپلیتیکی، استراتژیکی و ژئواکونومیکی خاصی به ایران بخشیده است. این نقش در زمینه های سیاسی و به لحاظ جغرافیایی و انتقال انرژی بی بدیل باشد، حال آنکه به رغم داشتن توانایی های ساختار ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی، ایران از نفوذ ژئوپلیتیکی مناسبی در تعاملات منطقه ای و جهانی برخوردار نمی باشد؛ و غالباً درحوزه انرژی (نفت و گاز) تحت تاثیر سیاست ها و اقدامات بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای از قبیل عربستان سعودی و ایالات متحده آمریکا می باشد.

## ۲- روش تحقیق

این پژوهش از نوع نظری بوده و با توجه ماهیت موضوعی آن، توصیفی- تحلیلی است. اطلاعات مورد نیاز نیز از طریق مطالعات کتابخانه ای و با استفاده از منابع مکتوب شامل کتب و مقالات و برخی سایت های اینترنتی معتبرگردآوری شده است. در این مقاله با برشمردن بنیان ها و مولفه های ژئوپلیتیک انرژی و ابزار مورد نیاز در این حوزه به بررسی نقش و جایگاه ایران در منطقه پرداخته است.

## ۱-۲- ژئوپلیتیک

باتغییر و تحولات به وجود آمده در نظام بین الملل، همواره مفهوم ژئوپلیتیک نیز دچار دگرگونی می گردید. گاهی دستیابی به خشکی، گاهی تسلط بر دریاها، آزاد و زمانی دیگر تسلط، بر منابع انرژی و معدنی، جوهرمفهوم ژئوپلیتیک برتر را تشکیل می داد. کارل هاس هوفر بنیانگذار مکتب آلمانی ژئوپلیتیک می گوید، ژئوپلیتیک تحقیق در خصوص رابطه میان زمین و سیاست است. ریمون آرون در کتاب جنگ و صلح، ژئوپلیتیک را عبارت از طراحی جغرافیایی روابط راهبردی همراه با تحلیل اقتصادی - جغرافیایی منابع و تفسیر نگرش های دیپلماتیک حاصل از حیات جوامع بشری و محیط زیست پیرامون می داند. ژئوپلیتیک علاوه بر بررسی رابطه بین عوامل جغرافیایی و سیاست یک کشور به تفسیر وقایع نیز می پردازد و می تواند تحولات آینده را تحلیل و گمانه زنی کند (عطایی و شیبانی، ۱۳۹۰)

## ۲-۲- ژئوپلیتیک انرژی

ژئوپلیتیک انرژی به مطالعه و نقش و اثر انرژی و جنبه ها و ابعاد مختلف آن بر سیاست و قدرت و مناسبات گوناگون ملتها و دولتها می پردازد. (حافظ نیا، ۱۳۸۵) می توان ژئوپلیتیک انرژی را مطالعه و بررسی تاثیرگذاری متغییر انرژی بر سیاست و

تصمیم‌گیری‌های سیاسی در جهت کسب، افزایش و حفظ قدرت تعریف کرد. شاید بتوان انرژی را از مهمترین متغیرهای تعیین کننده جایگاه خاور میانه در عرصه بین‌المللی در دوران معاصر دانست (رحیم صفوی، مهدیان، ۱۳۸۹)

## ۲-۳- ژئواکونومی

ژئوپلیتیک شامل سه عنصر جغرافیا، سیاست و قدرت است. اقتصاد از طرفی یکی از ابعاد فضای جغرافیایی و از طرف دیگر یکی از ابعاد قدرت است. ژئوپلیتیک به طور ذاتی در دو عنصر از سه عنصر تشکیل دهنده خود یعنی جغرافیا و قدرت با اقتصاد پیوند خورده و به آن توجه می‌نماید. بنابراین چنانچه اقتصاد با قدرت و سیاست پیوند بخورد و با جغرافیا نیز عجین شود، در حوزه ژئوپلیتیک قرار می‌گیرد که در این صورت ژئواکونومی به عنوان بعد اقتصادی ژئوپلیتیک شکل می‌گیرد که در زیرمجموعه جغرافیای سیاسی قرار دارد. به نظر می‌رسد یک تعریف سه بخشی از ژئواکونومی می‌تواند تا حدود زیادی جامعیت داشته باشد: ژئواکونومی استفاده از ابزارهای اقتصادی برای دفاع از منافع ملی و تولید نتایج مفید ژئوپلیتیک؛ و تأثیر اقدامات اقتصادی سایر ملتها بر اهداف ژئوپلیتیک کشور است. (مختاری هشی، ۱۳۹۷)

## ۲-۴- امنیت انرژی

امنیت انرژی به تولید و مصرف روان انرژی (بویژه نفت و گاز) اطلاق می‌شود، چنانچه هیچ مشکلی بر سر راه استخراج، تولید و حمل و نقل (تولید، توزیع و مصرف) آن وجود نداشته باشد. امنیت انرژی مباحث گسترده‌ای از جمله افزایش تقاضای جهانی و وابستگی بیشتر به بازارهای تولید، عرضه، ترانزیت و حفاظت از خط لوله، منابع انرژی مطمئن، قیمت‌های مناسب انرژی، تعیین سیاست‌های انرژی، تغییرات آب و هوایی و محیط‌زیستی ناشی از مصرف برخی سوخت‌ها و انرژی‌های جایگزین را در بر می‌گیرد. (رحیم صفوی، مهدیان، ۱۳۸۹)

امنیت انرژی یکی از مهمترین اجزا و موضوع محوری مباحث مربوط به سیاست انرژی است؛ چراکه توسعه اقتصادی کشورها و مناطق مختلف جهان چه در سطح خرد و چه در سطح کلان به آن مرتبط است. هنگامی که از امنیت انرژی صحبت می‌شود، منظور کاربرد مفهومی آن است که جریان آزاد انرژی بر اثر ایجاد یک رشته حوادث و اتفاقات بحرانی، منقطع نشود و کارایی نظام اقتصادی بین‌الملل را مختل نکند. از این رو لازم است که ابتدا میان امنیت عرضه و امنیت تقاضای انرژی تفکیک قائل شویم؛ چرا که مسئله امنیت انرژی، یک مسئله و منظومه چند بعدی است که از زوایای مختلف قابل بررسی است. منظور از امنیت عرضه آن است که به مصرف‌کنندگان این تضمین داده شود که وقوع یک رشته حوادث غیر قابل پیش‌بینی، همچون سهولت دسترسی به منابع قابل اطمینان، مسیر ترانزیتی امن، خطرهای متوجه ساختارها و تأسیسات و عوامل همچون بلایا و آسیب‌های طبیعی، تروریسم، جنگ، آشوب‌ها و ناآرامی‌های سیاسی، شورش‌های مدنی و مؤلفه‌هایی نظیر آن جریان عرضه انرژی و یا مقدار آن را متوقف نکند. همچنین امنیت عرضه انرژی شامل تضمین خطوط انتقال انرژی نیز شده، به گونه‌ای که جریان آزاد و مداوم آن تحت تأثیر خواست و اراده سیاسی صادرکنندگان منقطع نشود؛ اما منظور از امنیت تقاضای انرژی این است که عرضه‌کنندگان تمایل دارند برای انرژی‌ای که تولید کرده و برای آن هزینه‌های زیادی صرف نموده‌اند، تقاضای مکفی وجود داشته باشد؛ چراکه در غیر این صورت، هزینه‌های فرصت‌های ازدست‌رفته زیادی را به دلیل معطلی سرمایه‌گذاری‌شان تحمل کنند. همچنین امنیت تقاضا، امنیت صنعت نفت و محیط زیست، ابعاد و زوایای دیگر امنیت انرژی را تشکیل می‌دهند. (عظیمیان، مدرس، محمد علی پور، ۱۳۹۵) در نظام چندقطبی معطوف به تک قطب دستورکار بین‌المللی عمدتاً توسط قدرت هژمون تعیین می‌شود. قدرت هژمون همچنین در تعیین اهداف، منافع و مقابله با معارضین خود از آزادی عمل بیشتری در مقایسه با ساختار دوقطبی و چندقطبی برخوردار است. نمونه‌ای از این تدوین دستورکار بین‌المللی را می‌توان در حوزه تعیین مسیر خطوط انتقال انرژی ملاحظه کرد (شفائی، اصولی، رسولی، ۱۳۹۳)

## ۲-۵- امنیت ملی

بنابراین کشورها برای منافع ملی خود به دنبال برقراری یک «سیستم امنیتی» در منطقه هستند. در برقراری این سیستم امنیتی، کشورها تا جایی که توان داشته باشند و در حد امکان به دنبال نفوذ مستقیم خود در این سیستم هستند. منظور از ترتیبات امنیتی در یک منطقه «مجموعه تلاش‌های کشورهای منطقه برای برقراری یک سیستم امنیتی در منطقه است؛ حال چه این سیستم امنیتی درون منطقه‌ای تعریف شده باشد چه برون منطقه‌ای». بوزان و همفکرانش بر این عقیده‌اند که گرچه «امنیت ملی» و «امنیت بین‌المللی» وابستگی متقابل و دوطرفه‌ای به یکدیگر دارند، دنبال کردن هر کدام از آن دو به تنهایی کاری بیهوده است که نتیجه نخواهد داشت و سرانجام آن یا منزوی شدن در روابط بین‌الملل است یا حل شدن در سیستم مستقیم جهانی و همین جاست که توجه به امنیت منطق‌های را عقلانی‌ترین و ساده‌ترین راه برای نیل به اهداف امنیتی می‌دانند (حافظ‌نیا، فرجی، ۱۳۹۳)

امنیت ملی یعنی؛ دستیابی به شرایطی که به یک کشور امکان می دهد از تهدیدهای بالفعل خارجی و نفوذ سیاسی و اقتصادی در امان باشد و در راه پیشبرد امر توسعه اقتصادی، اجتماعی و انسانی و تامین وحدت و موجودیت کشور و رفاه عامه فارغ از مداخله بیگانه گام بردارد. (روشندل، ۱۳۹۴)

امنیت ملی واجد ابعاد دوگانه سلبی و ایجابی است. در بعد سلبی به نفی، رفع و تقلیل تهدید و در بعد ایجابی به ارتقا و بهینه سازی وضعیت زیست بوم جوامع از نظر اقتصادی، فرهنگی، نظامی و سیاسی اشاره دارد. از این منظر میتوان حسب تعریف مک نامارا که امنیت ملی را توسعه پایدار همه جانبه و متوازن تعریف میکرد مهمترین اهداف عمده امنیت ملی عبارتند از: ۱. حفظ استقلال و تمامیت ارضی؛ ۲. تحقق رفاه مردم و ثبات کشور؛ ۳. حفظ و اشاعه ارزشهای ملی و اقتصادی؛ ۴. فراهم کردن امکانات فراغت خاطر نسبت به تهدیدهای احتمالی (یوسفی جویباری، صیدی محمدی، فتاحی، ۱۳۹۳)

## ۲-۶- دیپلماسی

ابزارها و شیوه های تامین امنیت ملی در طی قرن بیستم و سال های آغازین قرن بیست و یکم دچار تحول شده است. استفاده از ابزارسخت نظامی اولویت کاربردی خود را تا حدود زیادی از دست داده و جای خود را به ابزار نرم و سیاسی واگذار کرده است و در روابط بین الملل نقشی بسزا یافته است. «دیپلماسی» بنا به تعریف، دیپلماسی به دانش ارتباط میان سیاست مداران و سران کشورهای جهان گفته می شود. دیپلماسی وسیله ای است که سیاست خارجی با استفاده از آن به جای جنگ از راه توافق به هدف های خود می رسد و بنابراین تعریف، آغاز جنگ شکست دیپلماسی است (آشوری، ۱۳۶۴) از سوی دیگر، محور دیپلماسی «توافق» بر سر موضوعی مشخص است که این موضوع می تواند یک نیاز و یا هدف مشترک میان سیاست مداران باشد. تجارت و اقتصاد، فرهنگ، دین و یا سایر نیازهای جامعه جهانی می توانند محور این توافق یا دیپلماسی قرار گیرند. بدین ترتیب دیپلماسی یک کشور می تواند متشکل از لایه های گوناگون نظیر دیپلماسی اقتصادی، دیپلماسی فرهنگی و یا سایر موارد باشد. (مستکین، ۱۳۸۴)

## ۲-۷- دیپلماسی انرژی

دیپلماسی انرژی از یک سو، به ابعاد اقتصادی واز سوی دیگر، به ابعاد امنیتی، منافع و قدرت ملی مرتبط است. به این ترتیب، دیپلماسی انرژی درحالی اهمیت بیشتری برای ایران یافته است که با ارزیابی دقیق شرایط زمانی و واقعیات جهانی، منطقه ای و بین المللی، و نیز توجه به اثرگذاری این بخش برکنشهای متقابل نیروهای داخلی، شاخص ترین بخش اقتصادی کشور در تعاملات بین المللی است. با مورد ملاحظه قرار دادن خط مشی امنیت انرژی نزد کشور های گوناگون (اعم از صادرکننده و واردکننده این منابع) (پوراحمدی، ذوالفقاری، ۱۳۸۸)

تعاریف گاه به طورمتناقض از دیپلماسی انرژی صورت می گیرد. منظور از دیپلماسی انرژی، کنش متقابلی است که معطوف به نگاه بلندمدت و راهبردی به بسط همکاری بین المللی و جهانی انرژی و بر بستری از همکاری بین المللی، ابزار تشویق و حمایت از سرمایه گذاری های چندجانبه در زمینه تولید و تجارت است. (پوراحمدی، ذوالفقاری، ۱۳۸۸)

دیپلماسی انرژی به عنوان یک برنامه متقن، منسجم و کارآمد می تواند بازارهای هدف انرژی جهانی را تشخیص داده و با تحلیل آن ها، برنامه هایی برای حضور مؤثر در این بازارها ارائه کند و در مقابل تحولات جهانی عرصه انرژی (نظیر معاهدات و توافقات بین المللی چون نوباکو و یا تشکیل مجمع کشورهای صادرکننده گاز) رویکردهای مناسب را به سیاست گذاران کشور دیکته کرده و در نهایت سید صادرات انرژی آنان را تعیین کند. (بشبان، ظریف و همکاران، ۱۳۹۵)

دیپلماسی انرژی در واقع محصول تلاش کشورها برای بهره گیری از ابزار انرژی برای تحقق اهداف و منافع ملی در عرصه سیاست خارجی است. (کریمی پور، نیاکوئی، سیمبر، ۱۳۹۶)

بدین ترتیب، مسأله دسترسی به منابع انرژی اعم از فسیلی، اتمی، خورشیدی و غیره؛ همچنین انتقال انرژی از مکان های برخوردار به مکان ها و فضاها بدون انرژی و نیازمند و نیز کنترل منابع تولید و مسیرهای انتقال انرژی؛ همچنین تکنولوژی ها و ابزارهای تولید، فرآوری و انتقال و حتی مصرف انرژی برای حفظ سیادت مکانی، فضایی و یا جغرافیایی است و به همین اعتبار انرژی را به موضوع ژئوپلیتیک مهمی تبدیل نموده است. (صادقی، دهقانی فیروزآبادی، آجیلی، ۱۳۹۷) بعنوان مثال؛ پیشبرد سیاست خارجی قطر با مقوله صادرات گاز و امنیت ملی این کشور گره خورده است. قطر در عرصه سیاست خارجی درصدد تبدیل شدن به یک بازیگر تأثیرگذار در سطح منطقه ای است. بدین منظور این کشور از عنصر دیپلماسی انرژی به خوبی استفاده کرده است. از همان ابتدا، سیاستگذاران انرژی این کشور راهبرد تبدیل شدن به یک عربستان گاز طبیعی را برای این کشور طراحی کردند. بدین ترتیب قطر از سالهای دهه ۱۹۸۰ تلاش کرده تا خود را به عنوان ((عربستان دیگری در گاز طبیعی مایع)) مطرح کند. تنوع مقاصد صادراتی که با راهبرد توسعه صادرات گاز طبیعی مایع همراه شده، به این کشور اجازه میدهد تا نقش بسیار فعالی را در بازار جهانی

انرژی ایفا کند. صادرات گاز مایع از طریق دریا دسترسی بسیار قابل توجهی برای این کشور به ارمغان آورده است. به گونه‌ای که قطر در حال حاضر در بیشتر نقاط جهان مقصد صادراتی دارد. (کریمی پور، نیاکوئی، سیمبر، ۱۳۹۶)

تحقق فرآیند معطوف به دیپلماسی انرژی، صرفاً در شرایطی امکان پذیر خواهد بود که زمینه‌های لازم برای چندجانبه‌گرایی و تحرک بین‌المللی فراهم شود. به این ترتیب، پیگیری فرآیند معطوف به دیپلماسی انرژی، نیازمند بهره‌گیری از استراتژی توسعه منابع و گسترش همکاری‌ها در بازار جهانی می‌باشد.

به موازات چندجانبه‌گرایی پیگیری موضوع دیپلماسی انرژی نیازمند مشارکت با کشورهای منطقه، قدرتهای بزرگ، شرکت‌های چند ملیتی، بازارهای منطقه‌ای و بازارهای جهانی است. هریک از کشورهای، شرکت‌ها و سازمان‌های یاد شده، نقش تفکیک شده‌ای در ارتباط با دیپلماسی انرژی ایفا می‌نمایند. به طور کلی پیگیری دیپلماسی انرژی نیازمند ایجاد زیرساخت‌هایی است که امکان مشارکت و همکاری چندین بازیگر را امکان پذیر می‌سازد. (مادسن، ۱۳۸۶) شاخص‌های آن را می‌توان به شرح ذیل مورد توجه قرارداد:

الف. دسترسی به بازارهای جهانی؛

ب. جذب سرمایه خارجی به طور مستقیم - غیرمستقیم، دوجانبه - چندجانبه؛

ج. حفظ اقتصاد ملی در برابر چالش‌های اقتصاد جهانی؛

د. خار شدن بازار نفت از انحصار شرکت‌های بزرگ چندملیتی که قادر به کنترل تولید، بازار و قیمت کالا می‌باشد؛

ه. تنوع بخشی به مسیرهای انتقال انرژی که از طریق الگوهای چندجانبه حاصل میگردد؛

و. مدیریت کنترل قیمت در شرایط بی‌ثباتی و ناپایداری در اقتصاد جهانی؛

ز. مبارزه با اقدامات تروریستی که می‌تواند در انتقال انرژی اختلال ایجاد نماید.

## ۲-۸- دیپلماسی انرژی، سیاست خارجی و امنیت ملی

سیاست خارجی عملگراییانه‌ترین بخش از مطالعات و پژوهش‌های بین‌المللی است که میتواند به طور مستقیم در راستای منافع و نیازهای ملی باشد (خسروی، میرمحمدی، ۱۳۹۳) اهمیت اقتصاد در دیپلماسی تا جایی است که میتوان گفت در دوره ما مفهوم دیپلماسی به طرز ذاتی تغییر یافته است و امروزه دیپلماسی به عنوان استفاده از نفوذ سیاسی توسط دولت‌ها برای ترفیع منافع اقتصادیشان در بازارهای بین‌المللی تعریف میشود (میرزائی، عباس زاده فتح آبادی، صدری علی بابالو، ۱۳۹۳)

با افزایش اهمیت اقتصاد در قدرت ملی کشورها دستیابی به منابع انرژی به عنوان یکی از اصلی‌ترین انگیزه‌ها برای تبیین رفتار دولت‌ها به ویژه دولت‌های بزرگ در عرصه سیاست خارجی است. بررسی روندهای موجود در ساختار جدید اقتصاد سیاسی بین‌الملل مؤید آن است که در این ساختار؛ انرژی از ارکان مهم سازنده هژمونی بوده و نقشی استراتژیک در رویکردهای قدرتهای بزرگ جهانی در این خصوص ایفا میکند (صادقی، ۱۳۹۱)

غالب شدن گفتمان اقتصادی سبب شده تارویکردهای عملگراییانه بیش از پیش رفتار منطقه‌ای و بین‌المللی کشورها را شکل دهد. در عین حال این تغییر گفتمان سبب رقابت کشورهای بزرگ برای دستیابی به منابع اقتصادی نیز شده است. قدرت‌های بزرگ با درک ضرورت تضمین توسعه اقتصادی خویش در بلندمدت، تسلط بر ذخایر اقتصادی را مورد توجه قرار داده‌اند. انرژی‌های فسیلی به جهت وابستگی شدید اقتصاد جهانی به جایگاه برجسته‌ای صعود کرده، به گونه‌ای که امروز نفت و گاز، یک کالای استراتژیک محسوب میشود. طبیعی است که چنین اهمیتی کانون‌های اصلی دارنده آن را نیز صاحب چنین امتیازی میکند (محمدی، غم‌پرور، ۱۳۹۳)

از جمله معیارهای دیگری که میتواند تأثیر دیپلماسی انرژی بر سیاست خارجی را مورد ارزیابی قرار دهد، حضور در مجامع انرژی است. بالطبع جایگاه و درصد تأثیرگذاری در مجامع انرژی به عنوان نهادهای تصمیم‌ساز میتواند نشان‌دهنده موفقیت یک کشور در دستیابی به منافع و اهداف ملی باشد. (کریمی پور، نیاکوئی، سیمبر، ۱۳۹۶)

پرستیژ و اعتبار بین‌المللی از جمله شاخص‌هایی است که میتواند جایگاه دیپلماسی انرژی را در سیاست خارجی کشورها نشان دهد. از آنجاکه دیپلماسی انرژی عرصه تعامل و برهمکنش اقتصاد و سیاست است. از سوی دیگر، هدف مهم کشورها در عرصه سیاست خارجی، ارتقای منزلت در سطح بین‌المللی است، دیپلماسی انرژی میتواند با تلاش برای ایجاد فضایی از رشد و توسعه اقتصادی این مهم را یاری کند. چرا که به نظر میرسد بدون یک اقتصاد پویا و فعال نمیتوان به منزلت بین‌المللی دست یافت؛ بنابراین اگر سیاست خارجی در صدد ارتقای منزلت بین‌المللی است باید به عرصه اقتصاد توجه ویژه‌ای داشته باشد. (کریمی پور، نیاکوئی، سیمبر، ۱۳۹۶)

## ۲-۹- جایگاه و اهداف جمهوری اسلامی ایران در الگوی دیپلماسی انرژی

توزیع نامتوازن منابع انرژی در عرصه جهانی و روند خالی شدن نامتوازن منابع، در ژئوپلیتیک انرژی برخی کشورها را در جایگاه صادرکنندگان و برخی دیگر را واردکنندگان عمده قرار داده است. موضوعیت اخیر که در ارتباط با رقابت برای بازارها و مواد خام قرار دارد، متعاقب تغییر در نظام اقتصادسیاسی جهانی و در مرتبه دیگر به تغییر در نهاد دولتها باز می گردد. زیرا طبق برآورد، ایران برخوردار از ۷ درصد منابع معدنی، ۱۱ درصد ذخایر نفت و ۱۶ درصد ذخایر گاز جهان است بنابراین، حاکم شدن منطق اقتصادی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران منافع جدیدی در منطقه و جهان برای کشور پدیدار ساخته و فرصت های نوینی را ایجاد می کند (جوادی ارجمند، ۱۳۸۶)

اقتصاد جهانی تابعی از ضرورت های امنیت ملی قدرتهای بزرگ و نیازهای سیاست بین الملل محسوب می شود. بسیاری از نظریه پردازان روابط و امنیت بین الملل تلاش میکنند تا موضوع مربوط به راهبرد امنیت انرژی را براساس ضرورت های سیاست بین الملل تنظیم نمایند. (تریلین، ۱۳۹۰) سیاستگذاری اقتصاد سیاسی در سطح بین المللی به گونه ای است که سیاست های راهبردی و اقداماتی همانند تحریم، موازنه درآمدهای ناشی از فروش نفت و گاز و رشد اقتصادی کشورهای صادرکننده براساس ضرورت های نظام جهانی شکل می گیرد؛ محور اصلی سیاستگذاری اقتصادی نفت را باید براساس راهبردهای اقتصاد جهانی تحلیل کرد که با محوریت آمریکا انجام میشود. از آنجا که آمریکا نیروی متعادل کننده نهادهای اقتصاد جهانی است، بنابراین از قابلیت لازم برای هماهنگ سازی موضوعات مربوط به نفت و گاز، اقتصاد، امنیت و قدرت راهبردی کشورهای منطقه ای برخوردار است. به عبارت دیگر، کشوری که در کنترل اقتصاد جهانی نقشی را به عهده دارند، هر اقدام خود را براساس ضرورت های راهبردی تنظیم میکنند.

ایالات متحده میدانند که ساختار اقتصادی ایران براساس اقتصاد نفت پایه می چرخد و با ارز به دست آمده از فروش آن، ارز مورد نیاز خود را به اقتصاد کشور تزریق میکند؛ از اینرو تلاش میکند تا با کمک اتحادیه اروپا برای تغییر رفتار ایران در برنامه هسته ای، منبع درآمد ایران را قطع کرده و شریان اقتصادی کشور را مختل نماید و با تحریم نفتی عملاً ایران را از بخش اعظم درآمد خود محروم کرده و از ورود دلار به ایران جلوگیری کند. در ایران با کاهش درآمدهای ناشی از تحریم نفت و مشکلات ناشی از ت آمین ارز برای منابع و کالاهای سرمایه ای، تأسیسات تولیدی و زیربنایی مانند صنایع خودروسازی، در معرض ورشکستگی قرار گرفتند (غلامی، ۱۳۹۰) تحریم های اقتصادی مانعی سخت در برابر دستیابی به این هدف بوده اند. همچنین تحریم ها می که از سوی آمریکا و اتحادیه اروپا علیه جمهوری اسلامی ایران اعمال شد، بخش وسیعی از اقتصاد کشور را تحت تأثیر قرار داد؛ به گونه ای که علاوه بر محدودیت های روابط تجاری و محدودیت بر سرمایه گذاری خارجی، به منظور فلج کردن اقتصاد ایران، ممنوعیت هایی در روابط مالی بانکی و صادرات نفت در نظر گرفته شد و تحریم های اقتصادی با ایجاد مانع بر سر راه صادرات نفت و ارتباطات پولی و مالی ایران و ناکارآمدی داخلی، منجر به کندی روند توسعه اقتصادی شد. بیشک نفت و گاز مهمترین و در عین حال سیاسی ترین کالای اقتصادی جهان است که همواره در تحولات سیاسی و اجتماعی دولت های نفتی نقش قابل توجهی را ایفا کرده است (عسکری، ۱۳۸۹) تحریم اقتصادی و محدودسازی راهبردی ایران، بخشی از سیاست گذاری اقتصاد سیاسی نفت و تابعی از نیازهای راهبردی اقتصاد جهانی و امنیت بین المللی است. (مصلی نژاد، ۱۳۹۴)

در عرصه خارجی، دیپلماسی انرژی ایجاب می کند تا اقدامات ویژه ای برای شکل دادن به روابط مناسب و روبه پیشرفت با کشورهای عضو اوپک و غیر اوپک که از لحاظ ژئوپلیتیک انرژی حائز اهمیت می باشند، صورت بگیرد. از این رو، در حالی که به واسطه خاص بودن نظام جمهوری اسلامی، ایران با عمده روند های جاری بین المللی ناسازگاری و عدم تطابق دارد، باید برای تحقق اهداف کلان خود و برای پیشبرد آن ها به ائتلاف و در نهایت، اتحاد بیندیشد؛ زیرا حجم محدود قدرت جمهوری اسلامی در نظام اقتصاد سیاسی جهانی بدون ائتلاف با دیگر واحد های سیاسی توانایی جامه عمل پوشاندن به تمامی اهداف بلند سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی سیاست خارجی ایران را ندارد (سریع القلم، ۱۳۷۰)

## ۲-۱۰- ژئوپلیتیک انرژی و منابع نفت و گاز خلیج فارس، دریای خزر، آسیای مرکزی و قفقاز

منطقه خلیج فارس با توجه به داشتن منابع عظیم انرژی، مهم ترین خطوط کشتیرانی و منابع عظیم شیلات و منابع بسیار غنی کانی و معدنی از مهم ترین و حساس ترین مناطق دنیاست. در ارتباط با ذخایر انرژی، این منطقه به علت داشتن منابع عظیم نفت و گاز، همواره مورد توجه کشورهای بزرگ بوده است. اهمیت راهبردی این منطقه برای دنیا به خصوص کشورهای صنعتی که به شدت به منابع انرژی وابسته اند، طی سال های آینده به شدت افزایش خواهد یافت. حدود ۵۲ درصد ذخایر اثبات شده فعلی دنیا در خلیج فارس و بخش اعظم آن در محدوده پنج کشور عربستان، ایران، عراق، کویت و امارات قرار دارد. (حافظ نیا، فرجی، ۱۳۹۳)

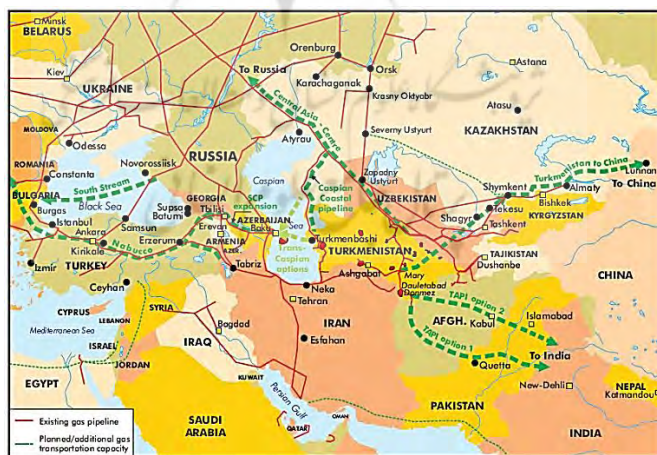
دسترسی نداشتن جمهوری های آسیای مرکزی و قفقاز به آب های آزاد، سبب شد تا گونه ای وابستگی به کشورهای مسیر انتقال یا ترانزیت پدید آید که بر ژئوپلیتیک منطقه اثرگذار است؛ بدین معنا که چگونگی انتقال انرژی از یک موضوع بازرگانی و

اقتصادی به موضوعی سیاسی و ژئواستراتژیک تبدیل می شود؛ به سخن روشن تر، موضوع انتقال انرژی کشورهای این منطقه به چالش سیاسی-امنیتی و ژئوپلیتیک تبدیل شده است. (یزدانی، ملبوس باف، ۱۳۸۷) در واقع، می توان گفت، منابع انرژی بار دیگر به نقشه ژئوپلیتیک حوزه دریای خزر شکل می دهد. این منابع انرژی و به ویژه ذخایر نفت و گاز طبیعی، اکنون در منطقه مایه شکاف و کشمکش شده است؛ با وجود منابع سرشار نفت و گاز، مشکل اساسی کشور های این حوزه دسترسی نداشتن به آب های آزاد است؛ پیش از این تنها راه انتقال نفت و گاز این کشورها، خط لوله روسیه بود، ولی با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و گریز این کشورها از وابستگی به روسیه، اکنون چگونگی انتقال نفت و گاز این حوزه یکی از مشکلات کشورهای کرانه دریای خزر شده است. (یزدانی، ملبوس باف، ۱۳۸۷)

## ۲-۱۱- نقش و جایگاه ایران در امنیت ترانزیت انرژی منطقه

بر اساس جدیدترین آمار موجود، تاکنون حدود ۱۵۰۰ میلیارد بشکه نفت خام در سطح جهان شناسایی شده است. از نقطه نظر ذخایر اثبات شده نفت خام، ونزوئلا با برخورداری از حدود ۲۹۶ میلیارد بشکه نفت خام، عربستان سعودی با داشتن حدود ۲۶۴ میلیارد بشکه و جمهوری اسلامی ایران با داشتن حدود ۱۵۱ میلیارد بشکه نفت خام اثبات شده، به ترتیب اولین، دومین و سومین دارندگان ذخایر نفتی اثبات شده جهان هستند. از نقطه نظر میزان صادرات نفت خام، عربستان سعودی با تولید روزانه حدود ۸ میلیون بشکه مقام اول جهان، جمهوری اسلامی ایران با حدود ۳/۵ میلیون بشکه در روز مقام دوم و ونزوئلا با صادرات حدود ۲/۸ میلیون بشکه نفت خام در روز، مقام سوم صادرکنندگان عمده نفت در جهان را دارا می باشند. در زمینه ذخایر گاز، روسیه با داشتن ۴۶ هزار میلیارد مترمکعب اولین دارنده ذخایر گازی جهان، جمهوری اسلامی ایران با ۳۳ هزار میلیارد مترمکعب و قطر با ۲۵ هزار میلیارد مترمکعب، به ترتیب دومین و سومین دارندگان ذخایر اثبات شده گاز طبیعی جهان می باشند. علیرغم وجود چنین منابع اقتصادی، میزان صادرات انرژی ایران به بازارهای جهانی بسیار محدود می باشد. این امر نشان می دهد که در وهله اول، استراتژی گسترش بازاریابی اقتصاد ایران مورد توجه قرار نگرفته است. دوم اینکه، محدودیت های بین المللی عامل اصلی حاشیه ای شدن ایران در ارتباط با بازار انرژی می باشد و سوم اینکه، دیپلماسی انرژی می تواند زمینه های لازم برای عبور ایران از تحریم های اقتصادی و بین المللی را فراهم سازد. (خادم، ۱۳۸۵)

با عنایت به مسیر های عبوری انرژی منطقه و موقعیت ایران در این مسیر ها (شکل ۱) از طرفی مجاورت ایران با دو بازار بزرگ مصرف انرژی (بازار جنوب آسیا در قسمت شرقی و اتحادیه اروپا در قسمت غربی)، باعث بالا رفتن ظرفیت ژئواکونومی این کشور برای در اختیار گرفتن محوریت انرژی در منطقه و جهان شده است. کشور ایران به واسطه داشتن این موقعیت بی همتای ژئوپلیتیک و ژئواکونومی دارای توان تاثیرگذاری بالایی در مناسبات بین المللی در حوزه تولید مواد هیدروکربنی می باشد. (مرکز مطالعات بین المللی انرژی، ۱۳۸۶)



شکل ۱- (گل کرمی، ۱۳۹۷)

محصول بودن کشورهای حوزه دریای خزر در خشکی وعدم دسترسی آنها به آبراه های بین المللی برای انتقال انرژی خود به بازارهای جهانی سبب شده است که انتقال انرژی خزر به بازارهای جهانی به یک مساله منطقه ای و بین المللی تبدیل شود. برای انتقال انرژی خزر به بازارهای جهانی مسیریهای مختلفی پیشنهاد شده است که بیشتر از آنکه شرایط اقتصادی و فنی مدنظر قرار گیرد، تحت تاثیر ملاحظات سیاسی است. همواره کشور ایران به عنوان مناسب ترین گزینه انتقال انرژی خزر به بازارهای جهانی

مطرح است ولی اجرایی شدن این پروژه با توجه به مخالفت های شدید آمریکا با چالش هایی روبه رو است. (دستجردی، انصاری زاده و همکاران، ۱۳۹۷)

علاوه بر آن نتایجی مثل جایگاه اقتصادی بهتر، امنیت بیشتر، همگرایی و همکاری مناسب منطقه ای مناسب تر از پیامدهای عبور انرژی از ایران است که می تواند کمک شایانی به ارتقاء جایگاه ایران در معادلات سیاسی و اقتصادی نظام بین الملل بنماید. ولی در ایفای یک نقش کارساز در جلب فرصت های ترانزیت انرژی منطقه، دستگاه سیاست خارجی این کشور با مشکلات و موانعی روبرو بوده است که مهمترین آنها رقابت فشرده منطقه ای و فرامنطقه ای و تحریم ایالات متحده بر علیه جمهوری اسلامی ایران بوده است. (دستجردی، انصاری زاده و همکاران، ۱۳۹۷)

## ۱۲-۲- فرصت های ژئوپلیتیکی ایران

جمهوری اسلامی ایران، دارای توان بالایی در نظام جهانی انرژی است. این توان بالای نقش آفرینی در نظام اقتصاد سیاسی بین المللی ناشی از موقعیت ژئوپلیتیک منحصر به فردی است که این کشور از آن برخوردار است. ایران با ۱۲ کشور در چهار جهت مختلف جغرافیایی هم مرز است و با توجه به قرار گرفتن در حد فاصل منطقه مهم دریای خزر و خلیج فارس از گذشته های دور به عنوان چهار راه مواصلاتی شرق به غرب و شمال به جنوب و مسیر طبیعی انتقال کالا (جاده ابریشم) مطرح بوده است. (صادقی، دهقانی فیروزآبادی، آجیلی، ۱۳۹۷)

موقعیت ژئوپلیتیکی به عنوان یکی از شاخص های مزیت نسبی در تولید و انتقال ذخایر اقتصادی محسوب می شود. جایگاه ژئوپلیتیکی ایران در خلیج فارس را می توان بر اساس قابلیت های مربوط به جزایر منطقه ای در خلیج فارس، عمق دریایی خلیج فارس و قابلیت ایران برای کنترل کانال های تردد کشتی های نفتکش از منطقه مورد توجه قرار داد. (صادقی، دهقانی فیروزآبادی، آجیلی، ۱۳۹۷)

### - صادرات گاز ایران

از لحاظ تاریخی ایران از پیشتازان صادرات گاز طبیعی بشمار می رود. ایران صادرات گاز از طریق خط لوله را به طور جدی دنبال می کند و برای همین منظور با بسیاری از کشورها در حال مذاکره می باشد. در حال حاضر، کشور ایران به کشورهای ترکیه، ارمنستان و آذربایجان کار صادرات گاز را انجام می دهد و با کشورهای امارات متحده عربی، کویت، عمان، هند و پاکستان و اروپا در حال مذاکره یا امضای تفاهم نامه می باشد. با عملیاتی شدن خط لوله گاز ایران به اروپا، هند و پاکستان و کشورهای حاشیه جنوب خلیج فارس مهمترین بحث در حوزه امنیت ملی، خروج ایران از انزوای ژئوپلیتیکی و دیپلماتیکی و تنزل اثرات تحریم های اقتصادی ایالات متحده آمریکا است و وزن ژئوپلیتیکی ایران و امنیت ایران افزایش فوق العاده ای خواهد یافت.

### - قرار داشتن در بیضی استراتژیک انرژی

از آنجا که انرژی در ساختار نوین اقتصاد سیاسی بین الملل از ابزارهای مهم کسب ثروت و قدرت است، کشور ایران به دلیل واقع شدن در کانون هارتلند انرژی جهان، از جایگاهی ممتاز برخوردار است؛ چرا که افزایش سهم ایران در تولید، تجارت و ترانزیت انرژی در پرتو دیپلماسی لوله های انرژی، ضمن آنکه بسترناسبی را برای توسعه و همگرایی منطقه ای این کشور فراهم خواهد کرد، پیوند میان اقتصاد جهان با اقتصاد ایران را نیز در این بخش ایجاد میکند و در پی خود شرایط مساعدی را نیز برای حرکت در مسیر توسعه و ارتقای سطوح امنیت و قدرت ملی کشور فراهم می آورد (صادقی، ۱۳۹۴)

### - تسلط بر تنگه راهبردی هرمز و داشتن سواحل طولانی در خلیج فارس و دریای عمان

در اختیار داشتن تنگه هرمز و برخورداری از موقعیت گذرگاهی، ایران را مسلط بر مهمترین و بزرگترین گلوگاه انرژی جهان کرده است. در اهمیت تنگه هرمز همین بس که میتوان گفت برای ایران و جهان صنعتی آمیزه ای از جغرافیا، انرژی، اقتصاد و امنیت است که با موقعیت حساس خود میتواند هم فرصتی برای امنیت اقتصادی و نظامی باشد و هم تهدیدی برای امنیت در همه ابعاد برای ایران و جهان به شمار رود. به عبارتی دیگر، تنگه هرمز یکی از عرصه تنفسی جهان از نظر اقتصادی و به دنبال آن امنیتی است که ایران با تسلط بر آن می تواند در جهت مدیریت اقتصادی و سیاسی خود از این موقعیت به خوبی استفاده کند و جهان صنعتی گریزی برای پذیرش این جایگاه ایران ندارد. (گل کرمی، کریمی پور و همکاران، ۱۳۹۷)

### - داشتن ذخایر انرژی مطمئن و تضمین شده

طبق برآورد، ایران برخوردار از ۷ درصد منابع معدنی، ۱۱ درصد ذخایر نفت و ۱۶ درصد ذخایر گاز جهان است بنابراین، حاکم شدن منطق اقتصادی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران منافع جدیدی در منطقه و جهان برای کشور پدیدار ساخته و فرصت های نوینی را ایجاد می کند (جوادی ارجمند، ۱۳۸۶)

### - تسلط بر بازار انرژی

الف. دسترسی مطمئن، پایدار و بدون دردسر به بازارهای جهانی برای فروش تولیدات نفتی و مشتقات آن؛



- ب. دسترسی آسان و استفاده حداکثری از منابع مالی ارزان بین المللی برای اجرای طرح های توسعه ای در بخش های نفت، گاز و پتروشیمی و کاهش وابستگی صنعت نفت به بودجه های عمرانی؛
- ج. دسترسی به فناوری پیشرفته (نرم افزار و سخت افزار) به ویژه برای افزایش ظرفیت تولید نفت و افزایش ضریب بازیافت آن از میدان های نفتی و ارتقای فناوری ملی؛
- د. دست یافتن به قیمت های مناسب برای فروش نفت خام و سایر مشتقات آن (گاودات، ۱۳۸۵)

### – موقعیت ترانزیتی و مسیر خطوط انتقال انرژی

امروزه توسعه پایدار کشورها به شدت وابسته به انرژی و بحث انتقال آن می باشد. انتقال منابع نفت و گاز و منابع آبی و انرژی برق از محل تولید به سراسر کشور و همچنین بحث صادرات سبب شده تا دقت بیشتری در امر انتقال انرژی صورت گیرد. همانطور که مشخص است، فاکتورهای مختلفی در انتقال منابع طبیعی و انرژی دخیل هستند که سبب شده است نسبت به انتخاب مسیر انتقال این انرژی ها بطور جدی تری مورد بررسی قرار گیرند.

گذرگاه بودن یک کشور در مسیر انتقال انرژی یک منطقه به بازارهای جهانی می تواند جایگاه ویژه ای به آن کشور در معادلات جهانی و همچنین کنترل و مدیریت انرژی دهد. (بر اساس گزارش سالانه اوپک، طول خطوط انتقال نفت ایران در سال ۲۰۱۲، ۴۱۰۸ مایل و طول خطوط انتقال گاز ۵۴۶۰ مایل می باشد) (امیری، احمدی پور، مستجابی، ۱۳۹۳)

روند کنونی تحولات نظام بین الملل، بیانگر این است که کشورهایی نقش قدرت برتر جهانی را در سده بیست و یکم بازی خواهند کرد که بتوانند بر منابع و خطوط انتقال انرژی جهان تسلط داشته باشند (آدمی، ۱۳۸۹)

### نتیجه گیری

با توجه به آنچه ذکر گردید؛ استنباط می گردد؛ جمهوری اسلامی ایران به رغم دارا بودن موقعیتی شاخص و منحصر به فرد در زمینه ژئوپلیتیک انرژی، بعنوان تولید کننده ای عمده و مسیری راهبردی و امن جهت ترانزیت انرژی، از طرفی دارا بودن پتانسیل بالای تامین امنیت در بازار انرژی دنیا و تاثیر گذاری بر اقتصاد جهانی، با توجه به مواضع سیاسی و اعمال برخی فشارهای خارجی از سوی دولت های منطقه ای و فرامنطقه ای و در راس آنها، عربستان سعودی و ایالات متحده آمریکا و تاثیر گذاری مستقیم آنها بر مناسبات اقتصادی شرکای تجاری ایران و بازار انرژی از طرفی ضعف دیپلماسی انرژی ایران، در حال حاضر در زمینه اقتصاد، نفوذ موثر و اعمال نظر بر تصمیم گیری های بازار انرژی ایران در موقعیت انفعال و ضعف قرار گرفته و سیاست گذاری های اقتصادی و انرژی آن متاثر از تغییرات صورت گرفته توسط سایر کشورها در بازار انرژی می باشد.

لذا؛ جهت برون رفت از وضعیت فعلی و ابراز وجود قدرتمند در عرصه ژئواکونومیک و ژئوپلیتیک انرژی منطقه، ایران می تواند ضمن ایفای نقشی پررنگ بعنوان عنصری تصمیم گیر و تاثیر گذار، برتری و نفوذ خود را در منطقه به نمایش گذاشته و با اعمال رویه ها و اقداماتی که می تواند با اتکا و استفاده صحیح و منطقی از امتیاز های متمایز و بعضاً منحصر به فردی که برخی از آنها در ذیل ذکر می گردد. ابتکار عمل را در بازار انرژی جهان به دست گیرد.

– امنیت؛ مولفه ای تاثیر گذار که در حال حاضر کمتر کشوری در منطقه خاور میانه از آن برخوردار است، فعالیت های خرابکارانه گروه های تروریستی، بی ثباتی های سیاسی، درگیری های طایفه ای و قومی اختلافات سیاسی کشورهای حوزه خلیج فارس و سایر عوامل که کشورهای منطقه کم و بیش با آن درگیر می باشند، در مقایسه با امنیت پایدار ایران می تواند دلیلی بر اتکا به ایران بعنوان مسیری امن در ترانزیت انرژی باشد.

– مسیر ها و زیرساخت های فراوان و انبوه تولید و انتقال انرژی؛ با توجه به وجود میادین گازی و نفتی متعدد و خطوط لوله طولانی انتقال انرژی و توانایی بالای تولید حامل های انرژی (نفت و گاز) می تواند ایران را به مسیری با صرفه و اقتصادی برای سایر کشورهای تولید کننده، علی الخصوص کشورهای حوزه خزر و آسیانه میانه که دسترسی به آبهای آزاد نداشته و وجود دریای خزر مانعی بزرگ جغرافیایی برای مقاصد صادرات انرژی آنها می باشد.

همچنین زیرساخت های موجود انتقال انرژی کشور که طی سال ها احداث گردیده، به دلیل باصرفه تر بودن می تواند عاملی سلب کننده در انعقاد قراردادهای جدید انتقال انرژی فیما بین تولیدکنندگان منطقه و سایر مصرف کنندگان باشد.

– گستردگی جغرافیایی و موقعیت منطقه ای؛ دارا بودن مرز زمینی با هفت کشور و مرز آبی با شیخ نشین های عرب حاشیه خلیج فارس ایران را تبدیل به شاهراهی حیاتی و منحصر به فرد در زمینه ترانزیت انرژی و کالا در منطقه تبدیل کرده که امکان هرگونه انتقالی را فیما بین این کشورها را با توجه به عواملی که گفته شد از داخل ایران میسر نموده و می تواند ایران را به عاملی در خصوص انحصار مسیرهای انتقال انرژی در منطقه تبدیل کند.

– وضعیت توپوگرافی و سهل العبور بودن ایران؛ با توجه به اینکه دریای خزر به عنوان مانع بزرگ جغرافیایی هزینه بر و دشوار در جهت انتقال انرژی تولید شده توسط کشورهای آسیای میانه و قفقاز به کشورهای مصرف کننده باشد. همچنین عدم وجود

ناهمواری های جغرافیایی زیاد و کم هزینه بر بودن ایران در مقایسه با جغرافیای ناهموار و صعب العبور سایر کشورهای منطقه، در ساخت و ایجاد مسیرهای جدید نسبت به سایر کشورهای منطقه میتواند عاملی اقتصادی در دسترسی کشورهای مقصد در دسترسی به انرژی ارزان تر باشد.

- تسلط بر تنگه هرمز، خلیج فارس و دریای عمان؛ و احاطه کامل انتقال انرژی تولید شده در خاور میانه، اهمیت و نفوذ ژئوپلیتیک ایران را بر بازار انرژی جهان می تواند تضمین نماید.

## منابع

- عظیمیان، سهیلا، مدرس، محمدولی، محمد علی پور، فریده (۱۳۹۵)، تأثیر راهبرد انرژی روسیه بر نحوه تأمین نیازهای انرژی کشورهای اروپایی، مطالعات اقتصاد سیاسی بین الملل، سال اول، شماره دوم
- عطایی، فرهاد و شبانی، اعظم (۱۳۹۰) زمینه های همکاری و رقابت ایران و روسیه در آسیای مرکزی در چارچوب ژئوپلیتیک، مطالعات اوراسیای مرکزی، سال چهارم، شماره ۸
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۵) اصول ومفاهیم ژئوپلیتیک، تهران: نشرآستان قدس رضوی
- رحیم صفوی، سید یحیی، مهدیان، حسین (۱۳۸۹)، ژئوپلیتیک انرژی ایران و امنیت انرژی شرق (چین و هند)، فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیای منابع انسانی، سال دوم، شماره دوم
- رحیم صفوی، سید یحیی، مهدیان، حسین، ۱۳۸۹، ژئوپلیتیک انرژی ایران و امنیت انرژی شرق (چین و هند)، فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیای منابع انسانی، سال دوم، شماره دوم
- مختاری هشی حسین (۱۳۹۷)، تبیین مفهوم ژئواکونومی (اقتصاد ژئوپلیتیکی) و توصیه هایی برای ایران، فصلنامه ژئوپلیتیک سال چهاردهم، شماره دوم، ص: ۵۶-۸۲
- موسوی شفتائی، مسعود، اصولی، قاسم، رسولی، رویا (۱۳۹۳)، تبیین مسیرهای انتقال انرژی براساس نظریه های روابط بین الملل: مطالعه موردی خط لوله تاپی و صلح، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸۵، ص: ۱۶۲-۱۸۹
- حافظ نیا، محمدرضا، فرجی، به رام (۱۳۹۳)، تأثیر ژئوپلیتیک انرژی بر شکل گیری ترتیبات امنیت منطقه ای؛ مطالعه موردی منطقه خلیج فارس از ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۰، فصلنامه آفاق امنیت، سال هفتم، شماره بیست و چهارم، ص ۷۹-۱۰۶
- روشندل جلیل (۱۳۹۴)، امنیت ملی و نظام بین الملل، تهران، انتشارات سمت، چاپ یازدهم
- یوسفی جویباری، محمد، صیدی محمدی، یاسر، فتاحی، علیرضا (۱۳۹۳)، نابرابریهای قومی و امنیت ملی، مطالعات جامعه شناسی، سال چهارم، شماره پانزدهم، ص: ۱۲۱-۱۳۷
- آشوری، داریوش (۱۳۶۴) فرهنگ سیاسی، نشر مروارید، چاپ هشتم
- مستکین، عبدالمهدی (۱۳۸۴) انرژی محور توسعه و همگرایی در خاورمیانه، همشهری دیپلماتیک
- پوراحمدی، حسین و ذوالفقاری، مهدی (۱۳۸۸) دیپلماسی انرژی و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، دانش سیاسی، سال پنجم، شماره اول، ص ۵-۴۰
- بشیان، نوید، ظریف، مهدی، حجازی، امین، جاویدی دشت بیاض محمد حسین (۱۳۹۵)، توزیع به یثه انرژی در یک واحد صنعتی در حضور واحد گازی با استفاده از مفهوم هاب انرژی، نخستین کنفرانس ملی انجمن انرژی ایران، تهران
- کریمی پور، داود، نیاکوئی، سید امیر، سیمبر، رضا (۱۳۹۶) نقش دیپلماسی انرژی در سیاست خارجی روسیه و قطر، فصلنامه پژوهشهای راهبردی سیاست، سال ششم، شماره ۲۲
- صادقی، سیداکبر، دهقانی فیروزآبادی جلال، آجیلی، هادی (۱۳۹۷) بایسته های دیپلماسی انرژی ایران در نظام اقتصاد سیاسی بین الملل، فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، سال یازدهم، شماره ۴۳، صص: ۷۳-۱۰۵
- مادسن جولیان، جایگاه ایران در محاسبات استراتژیک چین، ترجمه علی حسین زاده (۱۳۸۶) تهران، مرکز پژوهشهای خلیج فارس
- خسروی، علیرضا و میرمحمدی، مهدی (۱۳۹۳) مقدمه ای بر تحلیل سیاست خارجی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- میرزائی، جلال، عباس زاده فتح آبادی، مهدی، صدری علی بابالو (۱۳۹۳) ابعاد ودستاوردهای دیپلماسی اقتصادی ترکیه در سال های ۲۰۰۳ م تا ۲۰۱۳ م، تحقیقات سیاسی و بین المللی، دوره ۶، شماره ۲۰
- صادقی، سید شمس الدین (۱۳۹۱) راهبردسیاست انرژی روسیه در اوراسیا: فرصت هاوموانع فصلنامه روابط خارجی، سال چهارم، شماره ۱

- محمدی، حمیدرضا و غم پرور احمد (۱۳۹۳) نقش اقتصاد سیاسی بینالملل در تغییر ساختارهای حاکمیتی خاورمیانه، فصلنامه جغرافیا، دوره جدید، سال دوازدهم، شماره ۴۳
- جوادی ارجمند محمدجعفر (۱۳۸۶) جهانی شدن اقتصاد و پیامدهای آن بر سیاست گذاری خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، (دانشگاه تهران)، دوره ۳۶، شماره ۳.
- ترلین، کارل، معمای فراوانی؛ رونقهای نفتی و دولتهای نفتی، ترجمه جعفر خیرخواهان (۱۳۹۰)، چاپ دوم، تهران: نشرنی
- غلامی طهمورث (۱۳۹۰)، تحریمهای جدید ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی ایران؛ ابعاد و اهداف، فصلنامه دیپلماسی صلح عادلانه، شماره ۴
- عسکری، محسن (۱۳۸۹) تأثیر درآمدهای نفتی بر ایجاد دولت رانتیر و دموکراسی، فصلنامه تخصصی علوم سیاس، شماره ۱۳
- مصلی نژاد، عباس (۱۳۹۴) سیاستگذاری اقتصاد سیاسی نفت و تحریمهای بینالمللی ایران، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال دهم، شماره سوم: ۲۰۰-۱۷۲
- سریع القلم محمود (۱۳۷۰) سیاست خارجی جمهوری اسلامی: بازبینی نظری و پارادایم ائتلاف تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک
- یزدانی، عنایت الله، ملبوس باف، مهديه (۱۳۸۷) پروژة های خطوط لوله انرژی در حوزة دریای مازندران»، مجله اطلاعات سیاسی- اقتصادی، شماره ۲۴۹-۲۵۰
- خادم، فاضله (۱۳۸۵) سیاست انرژی آمریکا، راهبرد این کشور د منطقه خلیج فارس، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال ۱۳، شماره ۴
- مرکز مطالعات بین المللی انرژی (۱۳۸۶) ترازنامه هیدروکربوری ایران، تهران: مرکز مطالعات بین المللی انرژی
- دستجردی کامران حسن، انصاری زاده سلمان، سوری فرشاد، ستوده، علی اصغر (۱۳۹۷) جایگاه ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک ایران در انتقال انرژی دریای خزر به بازارهای جهانی، جغرافیا (فصلنامه علمی پژوهشی انجمن جغرافیای ایران)، دوره جدید، سال دهم، شماره ۳۱، ص: ۲۹-۴۸
- صادقی، سید شمس الدین (۱۳۹۴) چالش جهانی انرژی و موقعیت ژئواکونومیک ایران در ساختار نوین. اقتصاد سیاسی بینالملل، چاپ اول، تهران: انتشارات الگوی پیشرفت ۴۹
- گل کرمی، عابد، کریمی پور، یدالله، متقی، افشین، ربیعی حسین (۱۳۹۷) تبیین ژئوپلیتیک سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر قابلیت های ژئواکونومیک، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال هجدهم، شماره ۴۹، ص: ۳۷-۵۷
- گاودات، باگت، ژئوپلیتیک جدید قیمت نفت آمریکا، عربستان و روسیه، ترجمه زهرا پیشگاهی فرد (۱۳۸۵) فصلنامه راهبرد، دوره ۱۳، شماره ۴۰
- امیری، علی، احمدی پور، زهراء مستجابی سرهنگی (۱۳۹۳) حمید تحلیل فضایی- امنیتی خطوط انتقال انرژی در ایران خطوط لوله نفت و گاز، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی سال چهاردهم، شماره ۳۴
- آدمی، علی (۱۳۸۹)، تاثیر انرژی برگسترش همکاری های ایران با شبه قاره، فصلنامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال دوم، شماره سوم

